نجات

زن ۶۲ساله فرشته نجات ۳ بیمار شد

مسئول واحد فراهم‌آوری اعضای پیوند دانشگاه علوم پزشکی مشهد گفت: اعضای بدن بانوی ۶۲ساله مرگ مغزی ساکن مشهد به ۳ بیمار نیازمند عضو پیوند شد. به‌گفته دکتر ابراهیم خالقی، این زن مریم صالحی رضایی نام داشت که پس از تأیید مرگ مغزی وی و رضایت خانواده‌اش اعضای بدن او به ۳ بیمار نیازمند اهدا شد.

انتظامی

دستگیری دزدان طلافروشی هنگام فرار

به‌دنبال سرقت از یک طلافروشی در شرق تهران، سارقان هنگام فرار دستگیر شدند. ۳ سارق مسلح پس از ورود به یک طلافروشی در تهرانپارس و سرقت طلا فرار کردند اما مأموران پلیس با اجرای طرح مهار، خودروی دزدان را شناسایی و هر ۳ نفر را دستگیر کردند. دزدان به ۲۰ سرقت مشابه در استان‌های مختلف کشور اعتراف کردند.

گفت و گو با رحیم مطهرنژاد، مدیرعامل بنیاد تعاون زندانیان کشور درباره اشتغال زندانیان

کسب و کار پشت میله های زندان

عکس‌ها: همشهری/ علیرضا طهماسبی

گزارش
محمد جعفری
روزنامه‌نگار

بنیاد تعاون زندانیان کشور از ۸۲سال قبل تاسیس شده و وظیفه آن اشتغال زندانیان و کمک به معیشت آنها و خانواده‌های‌شان است. این بنیاد در سراسر کشور صدها کارگاه تولیدی، زمین زراعی، مجتمع پرورش دام و طیور و... دارد که در آن هزاران نفر از زندانیان مشغول به‌کار هستند و از این طریق معیشت‌شان فراهم می‌شود. رحیم مطهرنژاد، مدیرعامل بنیاد تعاون زندانیان در گفت‌وگویی اختصاصی با همشهری، جزئیاتی از فعالیت‌های این بنیاد در حمایت از زندانیان را بازگو کرد. آنطور که او می‌گوید فعالیت‌های این بنیاد باعث حمایت از حدود یک میلیون نفر از اعضای خانواده زندانیان در سراسر کشور می‌شود.

برای شروع درباره مهم‌ترین فعالیت‌های بنیاد تعاون زندانیان صحبت کنید.

بنیاد بیش از ۸۲سال در کشور سابقه فعالیت دارد. برطبق اساسنامه، بنیاد ۲ ماموریت اصلی دارد. یکی حرفه آموزی زندانیان و دیگری اشتغال آنها در دوران محکومیت است. در حوزه حرفه‌آموزی سالانه به ۸۰هزار نفر زندانی در ۲۰۰رشته فنی و حرفه‌ای آموزش می‌دهیم که این کار به‌طور مشترک توسط سازمان زندان‌ها، بنیاد تعاون زندانیان و سازمان فنی و حرفه‌ای انجام می‌شود.

شما و همکاران‌تان در بنیاد چه تعدادی از زندانیان را تحت پوشش قرار داده‌اید؟

در حال حاضر در داخل، پیرامون و بیرون از زندان‌ها ۵۰هزار نفر زندانی شاغل داریم که ۱۵هزار نفر آنها اشتغال نشسته و بقیه اشتغال مولد دارند.

اصولا کدام دسته از زندانیان شامل چنین تسهیلاتی می‌شوند و در دورانی که محکومیت‌شان را طی می‌کنند می‌توانند برای کار از زندان خارج شوند؟

در هر زندان یک شورای طبقه‌بندی وجود دارد که شورا بررسی می‌کند و اجازه می‌دهد زندانی در بیرون از زندان کار کند. مجموع این افراد ۵۰هزار نفر هستند که حدود ۲۰هزار نفر از آنها رأی باز هستند و بیرون از زندان کار می‌کنند.

به زندانیان رأی باز که در کارگاه‌های شما کار می‌کنند دستمزد هم داده می‌شود؟

همه زندانیانی که مشغول به‌کار هستند براساس کاری که انجام می‌دهند، تعداد روز و ساعت‌هایی که سر کار می‌آیند، دستمزد دریافت می‌کنند. اگر کارشان قابلیت شمارش داشته باشد، مثل کارگاه قالی بافی، دستمزد را به‌صورت رج‌مزدی به آنها پرداخت می‌کنیم. ملاک و معیارمان هم نرخ و حقوق و دستمزد اتحادیه در همان شهر و استان است.

این زندانیان آیا بیمه هم هستند؟

زندانیان بیمه عمر و حادثه می‌شوند اما از بعضی حقوق اجتماعی محروم هستند و مثلا نمی‌توانند بیمه تامین اجتماعی شوند. اگر وضعیت مالی ما خوب باشد می‌توانیم آنها را بیمه کنیم اما فعلا انجام این کار برای‌مان ممکن نیست.

بنیاد تعاون زندانیان در سراسر کشور چه تعداد مراکز اشتغال دارد؟

ما در کل کشور حدود هزار مرکز کوچک، متوسط و بزرگ برای اشتغال داریم و انواع و اقسام تولیدات شامل: صنایع‌دستی، پوشاک، مصنوعات فلزی، قطعه‌سازی، کشاورزی، دامپروری و... را انجام می‌دهیم. این مراکز در ۲۳۰شهر کشور فعال هستند.

چه تعداد زندانی توسط بنیاد آموزش داده شده و به‌کارگیری می‌شوند؟

ما سالانه ۸۰هزار زندانی را آموزش می‌دهیم و در حال حاضر حدود ۵۰هزار نفر از آنها در مراکز ما مشغول کار هستند.

آیا آماری درخصوص وضعیت پس از زندان افرادی که در مراکز شما آموزش دیده و مشغول به‌کار شده بودند دارید؟ چه تعدادی از آنها توانسته‌اند بعد از آزادی کامل شاغل شوند و چه تعدادی دوباره دنبال کار خلاف رفته و دستگیر شده‌اند؟

طبق آمار بین ۱۵ تا ۲۰درصد زندانیان دوباره به زندان برمی‌گردند اما بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد فقط یک تا ۲درصد از افرادی که در دوره‌های آموزشی و اشتغال ما مشغول می‌شوند دوباره دستگیر و زندانی می‌شوند که این یک موفقیت بزرگ است. آموزش و اشتغال نقش مهمی در آینده زندانیان دارد و فردی که شغل و مهارت داشته باشد اغلب به بزهکاری برنمی‌گردد. ما هم با همه توان از آنها حمایت می‌کنیم. فعالیت‌های ما شامل حمایت از ۲۰۰ تا ۳۰۰هزار نفر زندانی می‌شود که اگر هر کدام عضو خانواده‌ای ۳نفره باشد از حدود یک‌میلیون نفر حمایت کرده‌ایم.

کارگاه‌ها و اراضی که در آنجا کار تولید انجام می‌شود قطعا سود و درآمد سرشاری دارند. این سود در چه محل‌هایی مصرف می‌شود؟

سود و آورده این صنایع همه متعلق به‌خود زندانیان است. یا در قالب حقوق و دستمزد به آنها پرداخت می‌شود یا به خانواده‌های‌شان به‌صورت بلاعوض کمک می‌شود یا به آزادی‌شان کمک می‌کنیم و یا به توسعه اشتغال آنها.

مالکیت کارگاه‌ها متعلق به چه نهادی است؟

همه اراضی مالکیتش متعلق به دولت است که در اختیار سازمان زندان‌هاست و ما از آن بهره‌برداری می‌کنیم.

بسیاری از زندانیان بعد از آزادی از زندان به‌دلیل اینکه سابقه‌دار هستند هیچ‌کس حاضر نیست به آنها شغلی بدهد و در نتیجه بیکار می‌مانند و ممکن است دوباره به سراغ کار خلاف بروند. برای حمایت از این دسته از افراد آیا برنامه‌ای دارید؟

بنیاد تعاون برای زندانیانی تاسیس شده که دوران محکومیت‌شان را طی می‌کنند و ما همه توان‌مان را گذاشته‌ایم برای افرادی که زندانی هستند. با این حال سازمان زندان‌ها اداره‌ای دارد به نام اداره امور اجتماعی و مراقبت‌های بعد از خروج. بودجه محدودی در اختیار دارد و به زندانیانی که در دوران محکومیت آموزش دیده بودند و کار می‌کردند، وام اعطا شود تا حرفه‌ای را که در زندان یادگرفته‌اند در بیرون از زندان ادامه دهند. اما بودجه این اداره محدود است و باید دولت، مجلس و نهادهای عمومی و حاکمیتی از این اداره حمایت کنند تا زندانیان آزاد شده بیشتری بتوانند از این امکانات بهره‌مند شوند. از سوی دیگر باید کارآفرین‌ها هم به افرادی که بعد از زندان متنبه شده‌اند اعتماد کنند. چطور مردم اعتماد می‌کنند و زندانیان را آزاد می‌کنند، کارآفرین‌ها هم به این افراد اعتماد کنند و به این افراد شغل دهند تا چرخه جرم تکرار نشود.

سالانه ۸۰هزار زندانی در بنیاد تعاون آموزش می‌بینند و در حال حاضر حدود ۵۰هزار نفر از آنها در مراکز بنیاد مشغول کار هستند

فعالیت‌های بنیاد در حمایت از زندانیان چه بازخوردی داشته است؟

به‌شدت در کاهش آسیب‌های اجتماعی در دوران محکومیت مؤثر است. از سوی دیگر وقتی شرایط کار برای زندانی فراهم می‌شود او را از آسیب دور می‌کند. مثلا زندانی وقتی بعد از کار در زندان خسته می‌شود، استراحت می‌کند و به فکر کارهای دیگر نیست. از این گذشته آسیب را از هم‌بندی‌هایش دور می‌کند و همینطور خانواده او هم از آسیب دور می‌شوند. وقتی خانواده زندانی از آسیب دور شود، یک آسیب اجتماعی هم کمتر می‌شود.

آیا تاکنون درمورد زندانیانی که با رأی باز از زندان خارج شده و مشغول به‌کار هستند مورد فرار هم اتفاق افتاده است؟

به هیچ عنوان. این افراد با وثیقه یا کفیل آزاد هستند و هیچ گزارشی درباره فرار این افراد نداشته‌ایم. از طرفی افرادی که مرتکب جرائم خشن شده‌اند شامل چنین تسهیلاتی نمی‌شوند و در همان بررسی اولیه در شورای طبقه‌بندی درخواست‌شان رد می‌شود.

بازگشت به زندگی از مسیر فشافویه

۳۲کیلومتر بعد از عوارضی تهران - قم، در منطقه فشافویه، یکی از بزرگ‌ترین زندان‌های کشور واقع شده است: «ندامتگاه مرکزی تهران بزرگ». اغلب زندانیان آنجا به اتهام موادمخدر و سرقت به حبس محکوم شده‌اند، اما شرایط تازه‌ای که در قوه قضاییه حاکم شده این شانس را به بعضی از آنها می‌دهد که با شرایطی خاص، زودتر از موعد مقرر از زندان خارج شوند. اما به کدام زندانیان چنین شانسی داده می‌شود و آنها بعد از خروج از زندان در کجا مشغول به‌کار می‌شوند؟ مددجویانی که در این مجموعه عظیم کار می‌کنند اغلب پس از طی کردن بخشی از دوران محکومیت‌شان متنبه شده و به فکر زندگی تازه‌ای افتاده‌اند. اغلب آنها می‌گویند از زمانی که در دوره‌های مهارت‌آموزی بنیاد تعاون زندانیان شرکت کرده‌اند امیدهایشان برای بازگشت به زندگی جان تازه‌ای گرفته است. آنها می‌گویند از مسیر فشافویه به زندگی بازگشته‌اند.

از شیشه‌فروشی تا پرورش ماهی

یکی از زندانیان شاغل در کارگاه‌های آموزشی و اشتغال‌زایی زندان فشافویه، پسر جوانی است که به خاطر قاچاق شیشه دستگیر شده است. او حالا اما در مزرعه پرورش ماهی مشغول به‌کار شده و بعد از پایان کارش به جای زندان، به خانه می‌رود و آنطور که می‌گوید از وضعیتش راضی است.

به چه اتهامی دستگیر و زندانی شدی؟

به‌خاطر ۲۰گرم شیشه دستگیر و به تحمل ۱۲سال زندان محکوم شدم. من موادفروش نبودم و موادی که از ما گرفتند برای مصرف شخصی خودم و پدرم تهیه کرده بودم. یک روز مأموران نمی‌دانم از کجا با خبر و وارد خانه‌مان شدند و مواد را پیدا کردند و دستگیر شدم.

چه مدتی در زندان بودی؟

۴سال در زندان بودم تا اینکه به من عفو دادند و با سپردن وثیقه به زندانی رأی باز تبدیل شدم. زندانی رأی باز یعنی اینکه من هنوز زندانی حساب می‌شوم، اما دیگر به زندان نمی‌روم. در جایی که به من گفته می‌شود کار می‌کنم و شب‌ها هم به خانه خودم برمی‌گردم. باید تا پایان دوره محکومیتم هم در جایی که به من گفته می‌شود کار کنم. البته برای کار کردن به من حقوق پرداخت می‌شود.

در اینجا به شما چقدر حقوق پرداخت می‌شود و آیا از شرایط رضایت داری؟

حدود ۳میلیون تومان حقوق می‌گیرم. در اینجا از حدود ۳ماه قبل کارم را شروع کردم. اول در دوره‌های پرورش ماهی شرکت کردم و کار را یاد گرفتم. حالا هم به‌طور کامل پرورش ماهی را انجام می‌دهم و از کاری که انجام می‌دهم، راضی هستم. از حدود ۷صبح سر کار می‌آیم و تا ظهر مشغول به‌کار هستم. من هنوز سنی ندارم. متولد ۷۰ هستم و این همه سختی را تحمل کرده‌ام، اما خدا را شکر می‌کنم که از راه اشتباهی که در آن بودم، نجات پیدا کردم و حالا می‌خواهم زندگی تازه‌ای را برای خودم درست کنم و اگر بتوانم بعد از پایان دوره محکومیتم خودم مزرعه پرورش ماهی بزنم و کار کنم.

می‌خواهم زن بگیرم، صورتم را شطرنجی کنید

یکی دیگر از افراد شاغل در مجموعه بنیاد تعاون زندانیان در فشافویه جوانی ۳۳ساله است که دستگیری و زندانی شدنش زندگی‌اش را تغییر داده و حالا به فرد دیگری تبدیل شده که فقط به‌کار و زندگی سالم فکر می‌کند.

چطور شد که زندانی شدی؟

به‌خاطر فروش موادمخدر دستگیر شدم. حدود ۳۰گرم شیشه داشتم. حدود ۲سال بود که مواد می‌فروختم، اما درآمد چندانی نداشتم. آن زمان خودم هم مواد مصرف می‌کردم و معتاد بودم و بیشتر برای تامین هزینه مواد مصرفی‌ام، مواد می‌فروختم.

قبلا چه شغلی داشتی؟

کاری نداشتم. فقط کار خلاف می‌کردم. مدت کوتاهی هم در قالیشویی کار می‌کردم، اما بعد افتادم در کار موادمخدر و گرفتار این کار شدم.

بعد از دستگیری، دادگاه چه حکمی برایت صادر کرد؟

در دادگاه به ۱۵سال حبس محکوم شدم. بعد از ۳سال عفو خوردم و حکمم شد ۷سال حبس. بعد هم مرا آوردند بنیاد تعاون زندانیان برای کار. گفتند هر کسی می‌خواهد زندان نباشد و کار کند می‌تواند به اینجا بیاید. حداقل دیگر در زندان نیستم و شب‌ها به خانه می‌روم.

اینجا چه کار می‌کنی؟

دوره‌های آموزشی باغداری را در باغ پسته گذرانده‌ام. قلمه می‌زنم. هرس می‌کنم. حدود ۶ماه است که اینجا هستم. همین که موادمخدر را ترک کرده‌ام برایم اتفاق خوبی بود. این اتفاق برایم درس عبرتی شد که خانواده را رها نکنم و سراغ موادمخدر و کارهای خلاف نروم. می‌خواهم ازدواج کنم و سر و سامان بگیرم. شما هم صورتم را شطرنجی کنید.

اگر به خواستگاری رفتی و گفتند که سابقه داری چه کار می‌کنی؟

ان‌شاءالله مشکلی پیش نمی‌آید. سعی می‌کنم با صداقت باشم.

آن‌سوی مرز

همسر قاتل سریالی، همدست او بود

بیوه قاتل زنجیره‌ای فرانسه که به «دیو آردن» معروف بود به‌دلیل همکاری با او در ارتکاب ۳قتل محاکمه می‌شود.

به گزارش همشهری به نقل از دیلی‌میل، مونیک اولیویه ۶۵ساله وقتی به‌عنوان همسر سوم با میشل فورنیره ازدواج کرد، فکر می‌کرد با یک مکانیک خوش اخلاق ازدواج کرده است اما این مکانیک به ظاهر آرام، شب‌ها به جنایتکاری خشن تبدیل می‌شد. میشل وقتی با مونیک ازدواج کرد تا مدت‌ها از رازش به او چیزی نگفت. با این حال یک روز تصمیم گرفت همه‌چیز را به وی بگوید و وقتی مونیک راز همسرش را فهمید قبول کرد که شریک جرم او شود. به این ترتیب میشل و مونیک همدست هم شدند و با خرید یک خانه بزرگ و مجلل با طلاهای دزدیده شده از قربانیان در کنار هم زندگی کردند. قتل‌های میشل از سال ۱۹۸۷ شروع شده بود و تعدادش به ۱۲ مورد رسیده بود تا اینکه در سال ۲۰۰۳ که این مرد در حال ربودن یک دختر ۱۳ساله بود دستگیر شد. مرد جنایتکار اعتراف کرد که در فرانسه و بلژیک ۱۲ نفر را به قتل رسانده است. اما پلیس عقیده داشت که این، همه قتل‌هایی که او مرتکب شده نیست. میشل که پس از دستگیری در فرانسه به «دیو آردن» معروف شده بود در دادگاه به حبس ابد محکوم شد تا اینکه بعدازظهر دوشنبه ۱۰ می ۲۰۲۱ در سن ۷۹ سالگی درگذشت. با مرگ او رازهای زیادی درباره قتل‌ها و تجاوزهایی که وی در طول بیش از ۴۰ سال انجام داده بود به گور رفت و حالا با به‌دست آمدن شواهدی، همسر بیوه‌اش باید به‌خاطر اعمال مجرمانه‌ای که مرتکب شده است، پای میز محاکمه برود. پلیس معتقد است که او دست‌کم در ۳فقره قتل همدست شوهرش بوده و دختران را به دام شوهرش می‌کشانده است. این محاکمه از امروز آغاز می‌شود و تا ۳هفته ادامه دارد.

پلیس آگاهی

جوان گروگان کلاهبرداری می‌کرد

تحقیقات پلیس برای یافتن جوانی که به گفته خانواده‌اش گروگان گرفته شده بود، اسرار باند کلاهبرداران هرمی را فاش کرد.

به‌گزارش همشهری، چندی پیش اعضای خانواده جوانی ۲۰ساله به‌نام سعید نزد پلیس رفتند و از ربوده شدن او خبر دادند. پدر سعید به پلیس گفت: مدتی قبل پسرم از من خواست ۱۰۰میلیون تومان به او بدهم تا برای خودش کاری دست و پا کند. اما من این پول را نداشتم و وقتی به پسرم گفتم که نمی‌توانم این مبلغ را فراهم کنم قهر و خانه را ترک کرد. وقتی شب شد و سعید به خانه برنگشت، نگرانش شدیم تا اینکه صبح روز بعد فردی با ما تماس گرفت و گفت که پسرم را گروگان گرفته‌اند و برای آزادی‌اش درخواست ۷۰میلیون تومان کرد. او تهدید کرد که اگر ماجرا را به پلیس اطلاع دهیم، بلایی بر سر سعید می‌آورد و ما که نگران سعید بودیم، با قرض گرفتن از دوستان و آشنایان، این مبلغ را فراهم کرده و به‌حساب آدم‌ربایان واریز کردیم. اما باز هم خبری از پسرمان نشد. آدم‌ربایان دیگر با ما تماس نگرفتند و سعید هم به خانه برنگشت و برای همین تصمیم گرفتیم ماجرا را به پلیس اطلاع دهیم. با شکایت این مرد، پرونده‌ای تشکیل و در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی تهران قرار گرفت. با توجه به حساسیت موضوع، تیمی از مأموران وارد عمل شدند و با تحقیقات میدانی و اطلاعاتی موفق شدند سرنخ‌هایی از جوان ربوده شده به‌دست آورند. بررسی‌ها نشان می‌داد که سعید به خانه‌ای در تهران تردد دارد و طولی نکشید که این خانه شناسایی شد.

سردار علی ولی‌پور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی تهران با بیان این خبر گفت: کارآگاهان با دریافت دستور قضایی این خانه را زیرنظر گرفتند و وارد آنجا شدند. آنها پس از ورود به این خانه، جوان گمشده را به همراه ۱۳نفر دیگر که در حال فعالیت جهت عضوگیری در شرکت‌های هرمی بودند دستگیر کردند. بررسی‌ها نشان می‌داد جوانی که به‌نظر می‌رسید ربوده شده است با همدستانش و با سوءاستفاده از اعتماد شهروندان مبالغی را از آنان دریافت کرده و قول درآمد میلیاردی به آنها می‌دادند و از این طریق دست به کلاهبرداری می‌زدند.

رئیس پلیس آگاهی تهران ادامه داد: متهمان در بازجویی اولیه اعتراف کردند که در قالب شرکت هرمی، با شهروندان مختلف تماس گرفتند و با فریب آنها و دادن وعده درآمد میلیاردی، مبالغی از این افراد دریافت کرده و سر آنها کلاه می‌گذاشتند و جوان گمشده نیز یکی از این کلاهبرداران بود.

داخلی

دزد بدشانس هنگام فرار به حیاط کلانتری پرید

سارق موبایل قاپ که پس از زخمی شدن دستگیر شده بود، هنگام فرار از بیمارستان لباس پزشک به تن کرد و از بالای دیوار به ساختمان مجاور پرید، غافل از اینکه ساختمان مجاور کلانتری است.

به گزارش همشهری، از چندی قبل پلیس پایتخت در جریان سرقت‌های سریالی یک باند در اتوبوس‌های بی‌آرتی و واگن‌های مترو قرار گرفت. تحقیقات کارآگاهان پایگاه هشتم پلیس آگاهی تهران برای دستگیری اعضای این باند زیرنظر قاضی محمد ولدی بیرانوند، بازپرس شعبه هفتم دادسرای ویژه سرقت ادامه داشت تا اینکه چند روز قبل اتفاق عجیبی افتاد. ماجرا از این قرار بود که یکی از مالباخته‌های این باند وقتی متوجه شد که دزدان در واگن مترو گوشی موبایل او را سرقت کرده‌اند، یادش افتاد که داخل واگن، فردی او را هل داد و ۲ نفر دیگر هم دعوای صوری راه انداخته بودند. وی که چهره آن ۳نفر را به‌خاطر سپرده بود، فورا به ایستگاه قبلی برگشت و یکی از سارقان را دید. او به سمت سارق رفت و گفت: «تو گوشی مرا به سرقت بردی؟» اما دزد جوان که با شنیدن این جمله شوکه شده بود، فرار کرد. مالباخته به‌دنبال او دوید و همین موجب شد تا سارق با کمک مالباخته و مردم دستگیر شود.

دعوای صوری

ازجیب‌های سارق، ۸گوشی موبایل سرقتی به‌دست آمد که او همان روز با کمک همدستانش آنها را سرقت کرده بود.

این سارق چاره‌ای جز اعتراف ندید و گفت با همدستی ۲ نفر از دوستانش در ایستگاه‌های مترو و اتوبوس، دست به سرقت موبایل می‌زدند. دزد دستگیر شده گفت: من و همدستانم هر روز صبح سوار مترو می‌شدیم؛ البته گاهی هم به ایستگاه اتوبوس‌های بی‌آرتی می‌رفتیم. شگردمان این بود که یکی از ما، به سوژه نزدیک می‌شد و او را هل می‌داد. ۲ نفر دیگر هم دعوای صوری راه می‌انداختند تا سر مردم گرم شود. در همان لحظه یکی از ما، دست می‌برد داخل کیف یا جیب سوژه و موبایلش را به سرقت می‌برد. پس از اجرای نقشه سرقت، از قطار پیاده می‌شدیم و سراغ طعمه‌های بعدی می‌رفتیم.

فرار عجیب

دزد دستگیر شده که سوابق زیادی در پرونده‌اش دارد، در ادامه تحقیقات از اتفاق عجیبی که در پرونده قبلی‌اش افتاده بود، گفت. وی توضیح داد: ۶ماه قبل، پس از تحمل ۴سال حبس از زندان آزاد شدم اما هنوز مهر آزادی‌ام خشک نشده، با همدستی ۲ نفر از بچه‌های محله، سرقت‌ها را از سر گرفتیم. من سرکرده گروه بودم و همیشه حرفه‌ای عمل می‌کردم اما یک سوتی دادم و دستگیر شدم. او گفت: در آن زمان و در جریان یکی از سرقت‌ها، پلیس سر بزنگاه رسید و به تعقیبم پرداخت. من فرار کردم که ناگهان تعادلم را از دست دادم و زمین خوردم. از ناحیه پا به‌شدت آسیب دیدم و مرا به بیمارستان بردند. در آنجا باز فکر فرار به سرم زد. لباس یکی از پزشکان را پوشیدم و به سمت در فرار کردم. اما فکر می‌کنم یکی از پرستارها متوجه شد. دستپاچه شدم و به سمت دیوار بیمارستان رفتم چون امکان داشت مقابل در، مأموران حراست دستگیرم کند. می‌خواستم از دیوار بالا بروم و به ساختمان مجاور بپرم تا از آن طریق فرار کنم غافل از اینکه ساختمان مجاور، کلانتری است! من از دیوار بیمارستان بالا رفتم و درست وسط حیاط کلانتری پریدم و دیگر راهی برای فرار پیش رویم وجود نداشت. همین موجب شد تا دستگیر و ۴سال زندانی شوم. این متهم پس از اقرار به سرقت‌های سریالی بازداشت شد و با اطلاعاتی که در اختیار پلیس قرار داد، ۲ همدست دیگرش نیز دستگیر شدند. اعضای این گروه در بازجویی‌ها به سرقت‌های سریالی اقرار کردند و برای انجام تحقیقات تکمیلی در اختیار مأموران پایگاه هشتم پلیس آگاهی تهران قرار گرفتند.

مرگ دردناک پسر ۱۲ساله

پسری ۱۲ساله که از مدرسه تعطیل شده و به سمت خانه می‌رفت، بر اثر سقوط میلگرد جانش را از دست داد. به گزارش همشهری، ظهر یکشنبه به قاضی محسن اختیاری، بازپرس جنایی تهران خبر رسید که دانش‌آموزی در راه بازگشت به خانه دچار حادثه دردناکی شده و جان‌باخته است. به دستور بازپرس، تحقیقات درباره مرگ دردناک دانش‌آموز آغاز و مشخص شد که او پس از تعطیلی مدرسه به سمت خانه در حال حرکت بوده است. در نزدیکی خانه آنها، ساختمانی در حال ساخت وجود داشت که راننده کامیونی در آن ساعت مشغول تخلیه بار میلگرد بود. درست لحظه‌ای که دانش‌آموز ۱۲ساله در حال عبور از کنار ساختمان در حال ساخت بود، یکی از میلگردها روی سر پسر بچه سقوط کرد و او خون‌آلود روی زمین افتاد. هرچند وی به بیمارستان انتقال یافت و تمام تلاش‌ها برای نجات این پسر توسط پزشکان انجام شد اما شدت ضربه به حدی بود که او جانش را از دست داد. به‌دنبال این حادثه، تیم جنایی راهی محل حادثه شد و دریافت که راننده کامیون دقایقی پس از سقوط میلگرد، از ترسش فرار کرده است. درحالی که تحقیقات برای دستگیری راننده کامیون ادامه داشت، ۲ ساعت بعد او به اداره پلیس رفت و خودش را معرفی کرد. وی گفت که حادثه اتفاقی بوده و از وقتی شنیده پسربچه فوت شده، خیلی ناراحت است. در این شرایط جسد پسر ۱۲ساله به پزشکی قانونی منتقل شد و تحقیقات در این‌باره ادامه دارد.